

مقدمه سردبیر

این شماره فوق العاده از مترجم که پیش روی شماست به مباحثی در زمینه ترجمه قرآن اختصاص یافته است. تا آنجا که اطلاع داریم، تاکنون کتابی مستقل یا شماره‌ای از یک نشریه ویژه این موضوع منتشر نشده. آنچه هست مقالاتی است پراکنده در کتب و نشریات مختلف. ما در مترجم تاکنون بیشتر به مسایل ترجمه ادبی و آموزش ترجمه نظر داشته‌ایم، لیکن از آنجا که موضوع کار ما ترجمه به معنی عام است، پرداختن به مسایل ترجمه قرآن را جدا از کار خویش نمی‌دانیم.

در واقع هر چند قرآن کلام خداست و تقدس و زیبایی و ظرافت معنایی بی‌مانند دارد، و ترجمه آن با مشکلات و حساسیتهای خاصی همراه است، بسیاری از مباحث ترجمه در ترجمه قرآن نیز مدخلیت دارد. در شرایط کنونی برای بحث در زمینه ترجمه قرآن انگیزه دوگانه علمی - اعتقادی وجود دارد. قرآن که چشمه‌ای الهام بخش و پایان‌ناپذیر از معرفت و زیبایی است بابه‌ای معرفت بسیاری را گشوده و بابه‌ای معرفت بسیاری به برکت معارف و ظرایف لفظی و معنایی قرآن رونق یافته است. بحث در باره مسایل و اصول ترجمه قرآن که می‌توان آن را ترجمه‌شناسی قرآن نامید، باب علمی جدیدی است که اکنون ضرورت گشودن آن به دست قرآن پژوهان و طالبان معارف الهی احساس می‌شود.

و اما در مورد انگیزه اعتقادی، خواندن و شنیدن قرآن با صوت زیبا و جلی همیشه برای مسلمانان لذت بخش بوده و خواهد بود، اما شاید هیچگاه به اندازه امروز درک معنی کلام خدا برای مسلمانان اهمیت و ضرورت نداشته است. در حال حاضر برای بررسی صحت قرائت و اعراب‌گذاری و صدور مجوز انتشار قرآن بنیادی وجود دارد که در جای خود بسیار ضروری و بجاست اما نظارت و برنامه ریزی مسایل مربوط به ترجمه قرآن مسؤولی ندارد. منظور از مسؤول سازمانی نیست که قدرت قانونی داشته باشد و کارش به ایجاد محدودیت در کار ترجمه قرآن محدود شود. هر ترجمه قرآن حاصل عشق و ایمان مترجم آن است و این، ترجمه قرآن را رونق داده است. سازمان مسؤول بررسی ترجمه‌های قرآن وظایفی بس مهمتر دارد. مهمترین آن انتشار مجله‌ای تخصصی در زمینه مسایل ترجمه قرآن است. در این مجله متخصصان رشته‌های مختلف علوم قرآنی و ترجمه و نیز مترجمان قرآن را

مجاللی خواهد بود تا نظرات خود را در باره مباحث نظری و عملی گوناگونی که در زمینه ترجمه قرآن مطرح است بیان دارند یا مباحث جدیدی را آغاز کنند و بدین ترتیب راه به سوی ترجمه‌ای معیار از قرآن گشوده شود. بررسی نقادانه ترجمه‌های موجود، معرفی ترجمه‌های قدیمی، فراهم آوردن مقدمات ترجمه قرآن به گویش‌های مختلف، تهیه واژه‌نامه‌های مختلف قرآنی، تدوین اصولی کلی برای ترجمه قرآن به زبانهای مختلف و ... از دیگر وظایف چنین سازمانی است.

از نظر کمی، شمار ترجمه‌های فارسی قرآن، مثلاً در مقایسه با تعداد ترجمه‌های انگلیسی انجیل، بسیار چشمگیر است. فقط در کتابخانه آستان قدس رضوی بیش از پانصد ترجمه فارسی قرآن وجود دارد. اما بحث در باره ترجمه بطور عام و ترجمه متون مذهبی و قرآن بطور خاص در ایران چندان رایج نبوده و در کمتر موردی است که مترجم اصول کار خود را بیان کرده باشد. در غرب نظریه پردازی در زمینه ترجمه خاصه در زمینه ترجمه متون مذهبی سنتی دیرپا دارد و تجارب مدون حاصل از ترجمه انجیل به زبانهای لاتین و انگلیسی و بعدها به سایر زبانها و نیز تنوع مسایل مطرح شده و حجم و کتب و مقالات نوشته شده در این زمینه بسیار چشمگیر است. برای دستیابی به دیدگاهی عینی تر در ترجمه قرآن و برای پیدا کردن مخاطب و منتقدی آگاه راه درازی در پیش داریم. باید زیاد ترجمه بکنیم و زیادتر از آن باید درباره ترجمه‌ها و اصول ترجمه قرآن صحبت و تأمل کنیم. البته امروزه دیگر ترجمه‌های شکسته بسته قرآن طرفدار ندارد ولی هنوز بسیاری از اندیشمندان تصور روشنی در مورد انواع مشکلات ترجمه قرآن و نحوه حل آنها ندارند و در بسیاری از موارد نظریات خام، کلی و متناقض آمیز است. زیرا ترجمه‌شناسی قرآن پیش از این برای بسیاری از صاحب نظران مشغله‌ای ذهنی نبوده است. مقاله محققانه آقای خرمشاهی در این شماره می‌تواند سرآغاز یک سلسله مباحث نظری در باره اصول ترجمه قرآن باشد.

در چند دهه اخیر گرایشها و دیدگاههای جدیدی در ترجمه قرآن به وجود آمده که حاصل آن چندین ترجمه منتشر شده یا در دست انتشار است. این ترجمه‌ها را می‌توان نوید دهنده دوره‌ای جدید در ترجمه قرآن دانست. در ترجمه‌های جدید قرآن، به رغم تفاوت کیفی آنان، می‌توان وجوه مشترکی یافت. اولین وجه مشترک، مخاطب داشتن ترجمه‌های جدید است. مترجمان متاخر قرآن که از ترجمه‌های تحت اللفظی و نامفهومی که زمانی تنها ترجمه‌های موجود در بازار کتاب بود دلزده شده‌اند، در ترجمه‌های خود نظر به این داشته‌اند که ترجمه‌ای روان و قابل فهم و استفاده عموم ارائه بدهند. اشاعه معارف اسلامی در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی و نیز ظهور نسلی از مسلمانان جوان و اندیشمند که هم به ترجمه روزآمد و روان قرآن نیاز دارد و هم آن را قدر می‌داند باعث شد که سکوت و بی‌تحریکی چندین ساله در برابر ترجمه‌های معروف به ترجمه‌های "مرمری" از میان برود و ذوق و شوق بیشتری در ترجمه قرآن پدید آید.

واکنش مترجمان متأخر نسبت به ترجمه‌های نامفهوم قرآن، تأثیر خود را بیش از هر چیز در زبان ترجمه نشان داده است. برخی از ترجمه‌های قدیمی قرآن دارای ارزشهای ادبی است ولی برخی دیگر

به دلیل تحت اللفظی بودن یا مستعمل بودن زبان آنها برای خواننده امروزی قابل استفاده نیستند. در این قبیل ترجمه‌ها مترجمان در پی زیبایی زبان ترجمه نبوده‌اند و با تصور غلطی که از دقت داشته‌اند - روش تحت اللفظی را تنها روش دقیق ترجمه قرآن می‌دانسته‌اند - هم خود را صرف انتقال معانی قرآن می‌کردند. برای آنها چه گفتن اهمیت بیشتری داشته است تا چگونه گفتن. البته دقت و زیبایی در ترجمه لزوماً با یکدیگر ناسازگار نیستند و اصولاً از آنجا که در قرآن، همچنان که در هر اثر ادبی، صورت و محتوا جداشدنی نیستند، در ترجمه قرآن نیز صورت و محتوا هر دو اهمیت می‌یابند و شرط هر ترجمه خوب قرآن این است که میان این دو وحدت و انسجام ایجاد کند. شرط لازم برای ترجمه قرآن این است که مترجم زبان‌دان باشد. مترجم باید علاوه بر دارا بودن تخیل، علم و جسارت و اژه‌سازی به کلمه نیز حساس باشد. بسیاری معتقدند مترجم ادبی باید ذوق و تجربه شعری داشته باشد. این سخن در مورد مترجم قرآن نیز صادق است. مترجم قرآن باید زبان را با تمام حساسیتها و آگاهیهای یک شاعر یا نویسنده زبردست بشناسد و بتواند بکار ببرد. آشنایی با زبان فارسی در حد متعارف یا کمی بالاتر برای ترجمه قرآن کافی نیست. در مواردی نیز که قرآن را گروهی ترجمه می‌کنند وجود زبان‌دانی با ویژگیهای فوق برای ایجاد یکدستی و زیبایی در ترجمه اجتناب ناپذیر است.

وجه مشترک دیگر میان ترجمه‌های متأخر قرآن کوشش مترجمان برای جدا کردن هر چه بیشتر ترجمه از تفسیر است. البته این امر تازگی ندارد. برای مثال میدی که از مترجمان متقدم قرآن به فارسی است کوشیده است به ترجمه حیثیتی جداگانه بدهد و آن را از تفسیر جدا کند، با این حال ترجمه او، که نمونه‌ای از آن در این شماره به چاپ رسیده است، از تأثیرات تفسیر بدور نیست، حال آنکه برای مثال ترجمه آقای آیتی ترجمه‌ای است موجز که دخالت تفسیر در آن بسیار ناچیز است. تفسیر قرآن که عهده دار بیان معنی آیات قرآنی است سنتی با قدمت است و مفسران قرآن با مشربهای فکری و ذوقی مختلف کوشیده‌اند جنبه‌هایی از معانی آیات را به زبان تفسیر بازگو کنند. ترجمه روشی دیگر برای بیان معنی آیات قرآنی است. در اینجا بحث بر سر این نیست که برای درک معانی آیات قرآن ترجمه روشی مطمئن تر و درست تر است یا تفسیر. مسئله ضرورت تفکیک میان این دو روش یا به عبارت دیگر ضرورت تفکیک میان کلام خدا و کلام مفسر است. البته می‌توان تفسیر برخی کلمات و عبارات را در پانویس آورد ولی نباید تفسیر را با ترجمه درهم آمیخت. اگر میان ترجمه و تفسیر مرزی دقیق قابل شوم و ترجمه را با تفسیر خلط نکنیم می‌بینیم که، از نظر معنایی، تفاوت ترجمه‌های قرآن بدلیل تفاوت در تفسیر لغوی یا زبانشناختی مترجمان است و به برداشت های شخصی یا اعتقادی آنها از قرآن ارتباط ندارد. به عبارت دیگر ترجمه، روایت امین تری از کلام خداست.

گفتیم ضروری است که مترجم قرآن زبان‌دان باشد، اما زبان‌دانی را نباید با زبانشناسی اشتباه کرد. زبانشناس لزوماً زبان‌دان نیست. کار زبان شناس اساساً توصیف و تشخیص است و کار زبان‌دان تألیف. ولی آشنا بودن با مباحث زبانشناسی ضرورت دیگری برای مترجم قرآن است. از آنجا که در عنوان دو مقاله مندرج در این شماره لفظ زبانشناسی بکار رفته، لازم است قدری در باره زبانشناسی و ارتباط آن با

ترجمه توضیح داده شود. زبان‌شناسی در علوم و فنون مرتبط با زبان روز به روز اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. مترجمان نیز که نوعی با کاربرد زبان سروکار دارند روز به روز ضرورت داشتن بینشی زبان‌شناختی برای حل مشکلات عملی ترجمه را بیشتر درک می‌کنند. اما زبان‌شناسی را نباید با فقه اللغه اشتباه کرد. فقه اللغه (philology) عبارت است از تصحیح، تفسیر و قضاوت درباره متون. منظور از متن، متن نوشتاری است نه گفتاری، آنهم عمدتاً متونی خاص دارای ارزشهای ادبی که از پیشینیان به ما رسیده است. فقه اللغه که علمی با قدمت است در دو معنی عام و خاص بکار می‌رود. در معنی خاص فقه اللغه عبارت است از مطالعه لغات متن و معلوم کردن معنی آنها بر اساس شواهد کاربردی آن لغت در متون جدیدتر و قدیمتر از خود. در معنی عام فقه اللغه به مطالعه لغات از جهت ریشه‌یابی (etymology) یا لغت‌شناسی (lexicology) محدود نمی‌شود. بلکه از آنجا که درک زبان متنی متعلق به زمانهای گذشته نیازمند درک فرهنگ مردم آن زمان است پس فقه اللغه مطالعه آداب و رسوم، افسانه‌ها، قوانین، فرهنگ عامه، تاریخ ادبی و بنیادهای اجتماعی و سیاسی آن مردم را نیز در برمی‌گیرد. بنابراین تعریف عام آن فقه‌اللغه‌ازاین نیز فراتر رفته و تا بررسی نحوه بیان پیام یعنی به سبک‌شناسی در نثر یا عروض در شعر نیز گسترش می‌یابد. بحث‌های لغوی دکتر شهرام هدایت و نیز برخی از تفدهای ترجمه قرآن (از جمله نقد مرحوم فرزاد بر ترجمه مرحوم پاینده و نقد آقای استادولی بر ترجمه آقای بهبودی) را می‌توان مباحثی در فقه اللغه بحساب آورد.

برخی زبان‌شناسی را همان فقه‌اللغه می‌دانند. اما علاقه زبان‌شناسی از لغت و متن قدیمی یا ادبی فراتر می‌رود. زبان‌شناس زبان را دارای نظام می‌داند و به تحقیق در باره نقش و ساختار زبان و نیز به بررسی و توصیف روشهایی که اهل زبان برای استفاده از این نظام بکار می‌برند، می‌پردازد. هر چند کار زبان‌شناس اساساً توصیف است و برای حل مشکلات ترجمه دستورات عمل تجویز نمی‌کند، اما توصیف او از زبان به مترجم بینش می‌دهد، بطوری که مترجم می‌تواند مشکلات را بیابد و در یافتن راه حل آنها از اصول و یافته‌های زبان‌شناسی مدد جوید و برای دفاع از ملاکهای انتخابی خویش از زبان و واژگان و مفاهیمی که زبان‌شناس در اختیار او می‌گذارد استفاده کند. توصیف زبان‌شناس از ساختار معنایی کلمه، جمله و کلام (discourse) دانش مفیدی در اختیار مترجم می‌گذارد. و نیز هر چند ترجمه اساساً مبنایی ذوقی و فردی دارد، مترجم اصولی کلی منتج از تحقیقات زبان‌شناسی را اساس کار خویش قرار می‌دهد. مقاله خانم شاهسوندی در این مجموعه را می‌توان مثالی از تحلیل زبان‌شناختی متن و کاربرد مفاهیم و توصیفات زبان‌شناسی در نقد ترجمه دانست.

با توجه به ضرورت پرداختن به مسایل قرآن به انتشار اولین دفتر از مباحث ترجمه قرآن اقدام کردیم. این را نیز بگوییم که ما نه صلاحیت و نه داعیه آن را داریم که آغازکننده باب ترجمه‌شناسی قرآن باشیم. امید ما این است که این شماره ویژه با تمام ضعف‌ها و کاستی‌هایش بتواند توجه قرآن‌پژوهان را به این امر مهم جلب کند. و نیز از خداوند می‌خواهیم به ما توفیق دهد در آینده نیز در حد بضاعت خود مجموعه‌هایی پربارتر به اهل قرآن تقدیم کنیم. ■